

# کمیته عمل

سازمانده

کارگوری



## چکیده برنامه عمل

برای مشاهده نسخه کامل به سایت مراجعه کنید

 @KSazmandeh

 Komite.Sazmandeh

[KSazmandeh.wordpress.com](http://KSazmandeh.wordpress.com)

## فهرست مطالب

۱.....	سازمان‌یابی کارگری و ایجاد «کمیته عمل»
۱.....	خطوط کلی برنامه عمل
۲.....	۱-بحران در تولید و مطالبات ما
۲.....	الف: کنترل و مدیریت کارگری
۲.....	ب: بازکردن دفاتر حساسی
۳.....	ج: ملی کردن بانک‌ها، صنایع کلان و معادن
۳.....	۲-مطالبه خدمات عمومی و رایگان برای طبقه کارگر
۳.....	الف:حق مسکن همگانی
۳.....	ب: حق آموزش
۴.....	ج:سلامت و حق درمان رایگان
۴.....	د: خدمات شهری رایگان
۴.....	۳-بیکاری و ارتش ذخیره کار در ایران
۵.....	۴-مطالبات صنفی کارگری
۵.....	الف: حق تشکیل مستقل و حق اعتصاب
۵.....	ب: درباره دستمزدها: از «حداقل دستمزد» تا مبارزه برای «موقوفات مزدی»
۶.....	ج: درباره قراردادهای کار
۶.....	د: مطالبه مزایای ویژه برای مشاغل سخت و ایمنی محیط کار
۷.....	۵. مطالبات مشخص برای بخش‌های مختلف طبقه کارگر
۷.....	الف: پرستاران
۸.....	ب:معدن چیان
۸.....	ج: معلمان
۹.....	د: آتش نشانان
۹.....	ه: کارورزان
۹.....	۶. آسیب‌پذیرترین بخش‌های طبقه کارگر
۹.....	الف:کارگران مهاجر
۱۰.....	ب:کارگران ملل تحت ستم
۱۰.....	ج: زنان کارگر
۱۱.....	ه: معلولین
۱۲.....	۷-امپریالیسم
۱۳.....	الف: تشکیل جبهه سوم
۱۳.....	ب: وظایف کارگران پیشرو در صورت ورود «سازمان جهانی کار»
۱۳.....	۸-اتحاد طبقاتی کارگران با خرده‌بورژوازی، فقرای شهری و سایر زحمتکشان
۱۴.....	۹-تاکتیک‌های سیاسی کمیته و برخی ملاحظات عملی
۱۴.....	الف: درباره نسبت تاکتیک و استراتژی انقلابی
۱۵.....	ب: «انتخابات» و سیاست «تحریم فعال»
۱۵.....	ج: مواضع کمیته نسبت به روش‌های پاسیو و منفعلانه مبارزه مسالمت‌آمیز
۱۶.....	د: پروژه امپریالیسم برای جایگزینی «مسالمت» به جای «مبارزه طبقاتی»
۱۶.....	ز: دفاع جمعی و مسلحانه در مقابل تهاجم سرکوب‌گرانه سرمایه‌داری
۱۷.....	س: موضع ما نسبت به «فعالیت مخفی» و «فعالیت علنی»
۱۷.....	ش: موضع ما نسبت به «اتحاد عمل»
۱۸.....	۱۰- مبارزه کارگری برای حقوق دموکراتیک
۱۸.....	الف: زنان
۱۸.....	ب: کودکان
۱۹.....	ج: دگرباشان جنسی
۲۰.....	د: محیط زیست
۲۰.....	ذ: آزادی زندانیان سیاسی
۲۰.....	ف: جدایی دین از حوزه عمومی

شدت ستم طبقاتی و جوّ اختناق حاکم بر فضای جامعه باعث می‌شود که کوچک‌ترین بارقه‌های اعتراضات کارگری، بالقوه ظرفیت تبدیل به یک شورش همه‌جانبه سیاسی را داشته‌باشد. دولت سرمایه‌داری در کلیت خود، بنا به ماهیتش هرگونه اعتراض کارگری را سرکوب و فرایند سیاسی شدن یک مطالبه ساده صنفی را هم تسریع می‌کند. بدین ترتیب دیوار جدایی‌ای که معمولاً بین مطالبات صنفی و سیاسی از سوی فعالین سندیکایی کشیده می‌شود، اساساً در مناطقی همچون ایران وجود ندارد. این موضوع باعث می‌شود که قاعداً نوع تشکل‌یابی کارگران برای مبارزه طبقاتی در این کشور از انواع تاریخی سندیکایی آن در اروپا متفاوت شود، چرا که حل کوچکترین مطالبات دموکراتیک یا پیگیری مطالبات صنفی نیز با مبارزه ضداستبدادی گره خورده است. در چنین شرایطی ساخت کمیته‌های مخفی‌ای ضروری است که با داشتن برنامه عمل و با رعایت اصول مخفی‌کاری بتوانند در داخل کشور سازماندهی و دخالت‌گری در مبارزات کارگری را در شرایط استبدادی به نحوی پیش ببرند که این مبارزه خصلت لاجرم سیاسی‌اش را حفظ کند و مبارزه در چهارچوب علنی‌گرایی و قانون‌گرایی و صنفی نگه داشته نشود و انرژی مبارزاتی کارگران در دور باطلی از سرکوب هرز داده نشود. مضافاً آنکه هرگونه توهم به گرایش‌های رقیب درون‌حکومتی یا برون‌حکومتی (که همگی بورژوایی‌اند)، در حکم امضای سند مرگ جنبش است. استقلال سیاسی جنبش کارگری، یک اصل اساسی برای ما است.

تفاوت کمیته عمل سازمانده کارگری، با دیگر کمیته‌ها و تشکل‌های علنی و «فعالین کارگری»، هم از حیث چشم‌انداز استراتژیک و هم از حیث شیوه سازماندهی است. این کمیته بر خلاف تشکل‌هایی که در مطالبات و رفرم‌های حداقلی درجا می‌زنند تا به زعم‌شان شرایط برای طرح مطالبات سوسیالیستی در آینده‌ای نامعلوم فراهم شود، افق‌اش محدود به رفرم نیست، هرچند رفرم‌های ناشی از فشار از پایین در جنبش کارگری را به رسمیت می‌شناسد و از آن حمایت می‌کند، اما در جهت جا انداختن آن دسته از شعارها و مطالباتی در اعتراضات کارگری فعالیت می‌کنند که گام به گام جنبش را به مبارزه علیه طبقه حاکمه و کلیت نظام سرمایه‌داری هدایت کند.

تفاوت اساسی دیگر این کمیته با سایر تشکل‌ها اینست که حول یک برنامه مشخص شکل گرفته که مجموعه‌ای از مطالبات است. مطالباتی که از سطح ذهن بر روی کاغذ نیامده‌اند بلکه هم چکیده مشترک تجارب جنبش کارگری بین‌المللی و هم جنبش کارگری ایران هستند (تجارب که انتقال آن‌ها به دلیل سرکوب و خفقان سیاسی منقطع شده‌اند) و هم ضمناً محصول دخالت‌های عملی پیشین فعالین خود کمیته است. از این جهت برنامه کمیته نمی‌تواند ایستا و تغییرناپذیر باشد و برای تضمین پویایی و به روز بودن کمیته حفظ دموکراسی درونی ضروری است. چرا که افراد مختلف، بسته به دخالتگری‌شان در حوزه‌های مختلف دارای تجارب ویژه‌ای هستند که لاجرم محدود و نسبی است. برای آن که کل این تجربیات در جایی متمرکز شود، لازم است به بحث گذاشته شوند و سپس جمع بندی و چکیده آن وارد برنامه گردد تا در دور بعدی فعالیت صحت آن در عمل محک بخورد. یک کمیته پیش‌تاز کارگری باید فعالیت اصلی خود را دخالت‌گری در صف اول جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اعتراضی عمومی تعریف کند. اعتبار چنین کمیته‌ای نه با صدور فراخوان و دستورالعمل بلکه با موضع‌گیری صحیح در جای صحیح و با دخالت عملی و به‌موقع در درون اعتراضات به دست می‌آید. سبک کار کمیته عمل سازمانده کارگری، ساخت هسته‌های دو یا چند نفره در محیط‌های کار، محلات، دانشگاه و غیره است و ابزاری که برای ایجاد و بعدتر گسترش و مرتبط کردن این هسته‌ها استفاده می‌کند، یک نشریه سازمانده (بولتن) است. بولتن یک ارگان سازماندهی است؛ به این معنی که بر مبنای نیازهای جنبش دخالتگری می‌کند و سریع‌ترین و صحیح‌ترین مواضع را به درون جنبش می‌برد، بازخوردش را می‌بیند و با انعکاس

دخالت‌هایش، مخاطب و نفوذ پیدا می‌کند. به این ترتیب با تداوم این دخالت‌ها، افرادی حول این بولتن جمع می‌شوند و تنها کافیس‌ت زنده بودن و مرتبط بودن محتوای این بولتن را در ارتباط با مبارزات روزمره خود ببینند تا دیگر آن را نه نشریه‌ای «بیرونی» که از آن خود بدانند. نشریه سازمانده کارگری (بولتن کمیته) ظرفی در اختیار پیشروهای کارگری و برای پیشروهای کارگری است، هم خطوط را به درون جنبش می‌برد و هم از آن خط می‌گیرد. یعنی رابطه‌ای دوسویه و ارگانیک با پیشروهای کارگری برقرار می‌کند. از این گذشته هسته‌های متفاوت نیز از طریق همین بولتن اقداماتی مشترک را سازمان می‌دهند، تجربیات و گزارش‌ها و نقدهای خود را به دیگر هسته‌ها منتقل می‌کنند. موجودیت کمیته عمل سازمانده کارگری نه یک هدف در خود بلکه با چشم‌انداز پیش‌بردن مبارزه سوسیالیستی است. به این اعتبار هدف اساسی کمیته عمل سازمانده کارگری، سازماندهی هسته‌های مخفی سوسیالیستی حول یک برنامه عمل مشخص است (برنامه‌ای که چکیده‌اش را ملاحظه می‌کنید). با تحقق این هدف، یعنی ایجاد و سازماندهی هسته‌ها، در بلندمدت زمینه‌های انحلال کمیته فراهم خواهد شد و چنانچه به قدر کافی گسترده شده باشد، وارد فرم حزبی خواهد شد. حزبی انقلابی که نمی‌توان آن را در کنفرانس‌ها و بر روی کاغذ ساخت، بلکه باید به شکل ارگانیک با پیکره قابل ملاحظه‌ای از پیشروهای کارگری ساخته شود. حزبی که بنا به تشخیص خود پیشروهای سوسیالیست متشکل در کمیته و با در دست داشتن نبض اوضاع و با تحلیل مشخص از شرایط مشخص، در زمانی درست بنیان گذاشته خواهد شد. حزبی انقلابی با کادرهای برجسته و باتجربه و پیشرو و آبدیده ناشی از سال‌ها فعالیت، برخوردار از یک مرکزیت قوی اما دموکراتیک، مدافع حق گرایش، مجهز به برنامه تسخیر قدرت سیاسی طبقه کارگر، که از این پس می‌تواند فعالیت‌های پیشین را در سطحی کیفیتاً بالاتر پی بگیرد. بدون وجود چنین حزبی، دیر یا زود تمامی دستاوردهای کارگران از سوی بورژوازی درهم شکسته خواهد شد. هرچند چنین حزبی نماینده منافع کل طبقه کارگر است اما حداقل تا پیش از شرایط اعتلای انقلابی صرفاً متشکل از پیشروهای کارگری و سوسیالیست‌های انقلابی خواهد بود و به این دلیل حزب پیش‌تاز نامیده می‌شود.

## خطوط کلی برنامه عمل:

### ۱. بحران در تولید و مطالبات ما

**الف- کنترل و مدیریت کارگری:** کارگران باتجربه و پرسابقه کارخانه‌های بحران‌زده قاعداً بهتر از یک مدیرعامل و سهام‌دار دلالی که تجاربتش منحصرأ در حوزه کسب سود و زیست انگلی بوده می‌دانند که چه‌طور چرخ‌های کارخانه را به حرکت درآورند و موانع و مسائل تولید را حل کنند. از این‌رو اقدام کارگران در این صنایع بحران‌زده باید در جهت به دست گرفتن تولید و توزیع و اعمال کنترل و مدیریت کارگری باشد؛ واضح است که در صنایع بحران‌زده این هدف تنها با اشغال کارخانه‌ها و تحت کنترل گرفتن امور به دست خود آن‌ها صورت خواهد گرفت. این شعار است که کمیته عمل سازمانده سعی دارد در اعتراضات کارگران کارخانه‌های ورشکسته و بحران‌زده جا بیاندازد.

**ب: بازکردن دفاتر حسابرسی:** شعار خودانگیخته کارگران مبنی بر اینکه «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل می‌شه»، چکیده این واقعیت است که تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج کارگران نمی‌تواند به کمبود نقدینگی یا زیان‌ده بودن تولید ربط داشته باشد. فیش‌های حقوقی مدیران بهترین گواه این ادعاست. «اکثریت» جامعه، یعنی کارگران که گردانندگان اصلی تولید هستند باید از اسناد حسابداری واحدهای تولیدی آگاه باشند. باید در سطح هر کارخانه، به وسیله نمایندگان واقعاً منتخب کارگران، کمیته‌هایی برای بازرسی دفاتر، نظارت بر تولید، سرمایه‌گذاری‌های جدید، استخدام یا اخراج کارگران و سازماندهی کار در کارخانه و کلیه امور مربوط به کارگران تشکیل داد. با انتشار علنی اسناد حسابرسی، حجم بالای رشوه، حیف و میل، حساب‌سازی‌ها، پاداش‌های مدیران، وام‌های مخفی و پول‌شویی و ورشکستگی‌های صوری و غیره برای همگان افشا خواهد شد و می‌توان جلوی آن‌ها را گرفت.

## ج: ملی کردن بانکها، صنایع کلان و معادن

در دهه‌های اخیر بخش انگلی اقتصاد به طرز بی‌سابقه‌ای با تغذیه از بخش واقعی و مولد فربه شده و این پدیده مسبب جلوه جدیدی از بحران در سرتاسر بخش‌های سرمایه‌داری شده‌است. بخش واقعی اقتصاد شدیداً نیازمند سرمایه‌گذاری است، در حالی که بخش مالی با وفور نقدینگی رو به‌رو است. بخش اعظم این مازاد نقدینگی در دست یک اقلیت است که به جای سرمایه‌گذاری در بخش مولد وارد بخش سوداگری مالی می‌شود. بلا تکلیفی مال‌باختگان ثامن الحجج و کاسپین که اعتراضات وسیعی را در دوره اخیر موجب شد، تنها دو نمونه از بحران ورشکستگی ناشی از این سوداگری مالی است. مطالبات اصلی کمیته سازمانده کارگری در این حوزه چنین است:

- ملی‌سازی بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ باید تحت کنترل و نظارت دموکراتیک کارگران و بدون پرداخت غرامت به مالکین سابق صورت گیرد.
- منابع مالی سرشار بانک‌ها باید تحت کنترل کارگران، صرف ایجاد مشاغل شایسته و مسکن و بهداشت و سایر برنامه‌های اجتماعی به نفع توده‌های زحمتکش شود.
- دفاتر حسابرسی بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ و شرکت‌های بیمه باید باز شوند.
- تمام افراد درگیر در فساد و کلاهبرداری و رابطین آن‌ها باید در دادگاه‌های علنی محاکمه شوند.

## ۲- مطالبه خدمات عمومی و رایگان برای طبقه کارگر

### الف: حق مسکن همگانی

آمار ۱۹ میلیون بافت فرسوده و ناامن و ۱۱ میلیون حاشیه‌نشین و آمار اعلان‌نشده‌ای از بی‌خانمانی (در قالب کارتن‌خوابی و گورخوابی و...) که فضاهای شهری را پر کرده‌اند وقتی در کنار سهم مضحک و ناچیز «کمک هزینه مسکن» (۵٪ حداقل دستمزد) قرار می‌گیرد، تصویری از ابعاد فاجعه‌ای که در بخش مسکن بر طبقه کارگر می‌رود را روشن می‌کند. مطالبات ما:

- طرح شعار مسکن عمومی در قالب شهرک‌های کارگری؛ این مسکن‌ها باید دارای اجاره‌های ۹۹ ساله با قیمت ثابت و پایین باشند.
- شعار تصاعدی کردن عوارض شهرداری بر برج‌ها و پاساژها مال‌ها و اختصاص این بودجه به پروژه‌های مسکن کارگران؛ حذف مالیات از حوزه مسکن و انحصار مالیات‌ها بر حوزه اداری-تجاری
- مدیریت تعاونی‌های مسکن کارگری زیر نظارت دموکراتیک خود کارگران
- تحقیق و تفحص مستقیم کارگری (و باز کردن دفاتر حسابرسی) پروژه‌های تعاونی مسکن و دیگر مسکن‌های عمومی مثل مسکن مهر
- پیگیری مجرمانه مالکین خانه‌های خالی
- حمایت از اقدام فاقدین مسکن (و حاشیه‌نشینان) به اشغال اراضی و ساختمان‌های خالی نهادهای دولتی و شبه دولتی
- ورود سریع دولت برای تکمیل فوری پروژه ناتمام مسکن مهر تحت کنترل و نظارت دموکراتیک ثبت‌نام‌کنندگان.
- تعیین نهایی مقررات مسکونی و ساخت و ساز محلات باید در کنترل زیر نظارت دموکراتیک ساکنین باشد.

### ب: حق آموزش

در نظام سرمایه‌داری علی‌رغم آنکه شرایط مادی همگانی کردن آموزش فراهم شده‌است، اما به دلیل مناسبات طبقاتی همچنان اکثریت جامعه از آموزش رایگان تا سطح تحصیلات عالی محروم‌اند. علاوه بر موانع طبقاتی، مشکلات دیگری از جمله محرومیت از تحصیل کودکان افغانستانی و دختر بچه‌های نوعروس در مناطق حاشیه‌ای، همچنین ستاره‌دار شدن تمامی دانشجویانی که سوابق فعالیت سیاسی

داشته‌اند، یا جزو اقلیت بهایی هستند، بخش دیگری از موانعی است که حاکمیت سرمایه‌دار جمهوری اسلامی بر سر راه حق تحصیل همگانی گذاشته است.

کمیته عمل سازمانده کارگری تلاش خواهد کرد شعار «حق تحصیل رایگان و همگانی تا مقطع تحصیلات عالی» را در هر جایی که مبارزات معلمان و دانشجویی و سایر اعتراضات مرتبط با محرومیت از تحصیل به دلایل ایدئولوژیک و سیاسی در میان باشد جا بیاندازد. بساط مدارس خصوصی و موسسات دلالی کنکور باید برچیده شود و تمامی منابع آموزشی نه به شکل انحصاری که به شکل عمومی توزیع شوند. دولت باید زیرساخت‌های لازم برای ساخت مدرسه در مناطق محروم را فراهم کند، برگزاری کلاس‌های درس در طویل و صحرا یا آتش‌سوزی دانش‌آموزان به خاطر نداشتن بخاری استاندارد در کلاس درس جنایت است. تحصیل رایگان و دسترسی به منابع آموزشی نباید یک امتیاز که باید حق بدیهی همگان باشد.

### ج: سلامت و حق درمان رایگان

مطالباتی که کمیته در بخش درمان طرح و پیگیری می‌کند شامل:

- ملی اعلام کردن صنعت بیمه تحت کنترل دموکراتیک کارگران و سپس همگانی‌سازی و رایگان کردن خدمات بیمارستانی و گسترش سطح پوشش این بیمه از پایه (وضع کنونی: بیمه سلامت) به یک طرح رایگان و جامع بیمه تکمیلی
- اجرای وسیع غربالگری‌های رایگان و همگانی
- افزایش فوری امکانات بیمارستانی در مناطق محروم
- نوسازی کامل تجهیزات بیمارستان‌های دولتی و عمومی کردن بیمارستان‌های خصوصی
- استخدام نیروهای بیکار بجای تحمیل اضافه کاری بر کارگران شاغل در این بخش
- دفاع از شعار کنترل مشترک کارکنان بخش درمان و بیماران بر محیط‌های بیمارستانی (به جای مدیریت انتصابی از بالا).

### د: خدمات شهری رایگان

پروژه‌ای که چندسال پیش تحت عنوان «آزادسازی یارانه‌ها» در کشور اجرا شد، به معنای سلب مسئولیت هرچه بیشتر دولت از وظیفه کمک به تأمین خدمات عمومی شهری (از جمله آب و گاز و برق) برای طبقه کارگر بود. خواست رایگان‌سازی و عمومی‌سازی تمامی خدمات شهری اعم از حمل و نقل جمعی و حق استفاده رایگان از خدمات آب و گاز و برق جزو مطالباتی است که کمیته در جنبش کارگری طرح و برای آن مبارزه خواهد کرد.

## ۳- بیکاری و ارتش ذخیره کار در ایران

سرمایه‌داری همیشه به بیکاری نیاز دارد تا اولاً با وجود لشکر بیکاران، دستمزدها را به طور کلی پایین نگه دارد و ثانیاً با شکاف انداختن و ایجاد رقابت، بیکاران را در مقابل کارگران شاغل قرار دهد. ارتش بزرگ بیکاران در کشور نه تنها خود را در آمار فاجعه‌بار بیکاری رسمی، بلکه در انبوهی از مشاغل خرد و انفرادی مانند کولبری، دستفروشی، پایان‌نامه‌نویسی و... نشان می‌دهد. مشاغلی که خصلتی موقت و کاذب دارند و ارتش بیکاران برای امرار معیشت ناگزیر است درگیر آن شود. کمیته وظیفه خود می‌داند تا مطالبات مربوط به اشتغال را میان این بخش از مزدبگیران در مشاغل این‌چنینی جا بیاندازد.

دولت سرمایه‌داری ایران که از ایجاد شغل ناتوان است، اخیراً با ارائه طرح‌هایی سعی کرده‌است تا بیکاران را به شکل غیررسمی به «شغل»‌هایی مشغول دارد تا حد استثمار را دور از نظارت کارگری تا حد سر حد بیکاری بالاتر ببرد. طرح‌هایی مثل «کارورزی» و طرح

«مشاغل خانگی» بخشی از چنین برنامه‌ای هستند. با این حال در غیاب نفوذ یک نیروی سازماندهی پیشرو که ظرفیت اعتراضی بیکاران را به یک جنبش ضدسرمایه‌داری پیوند زند، چند صد هزار نفر بیکار، برای ثبت نام در طرح کارورزی به صف شده‌اند و هنوز هم تعداد نامعلومی مشغول دورکاری‌اند (کار از درون خانه). در مقابل این طرح‌های دولت باید با قاطعیت ایستاد و مطالبات مربوط به «اشتغال همگانی» را درون صفوف کارگران استخدامی در این طرح‌ها و کل صفوف ارتش بیکاران کشور گستراند.

• شعار ما آنست که اگر نظام سرمایه‌داری قادر به تأمین شغل برای افراد جویای کار نیست، باید وظیفه تأمین معاش و بقای آنان را داشته باشد. دولت باید به کلیه بیکاران بیمه بیکاری پرداخت کند.

• ثانیاً آنکه اگر رژیم سرمایه‌داری قادر به نگهداری کلیه نیروهای کار نیست، به جای اخراج، باید کار موجود را بدون کسر حقوق، میان کارگران تقسیم کند.

• ثالثاً تمامی شواهد حاکی از آنست که تبلیغات دولت مبنی بر کمبود کار، مبنای واقعی ندارد. عموم مردم نیاز مبرمی به خدمات، مسکن، بیمارستان و نظایر این‌ها دارند. دولت باید با اخذ مالیات بر شرکت‌های بزرگ و به کار انداختن منابع عظیم نفت و گاز تحت کنترل و نظارت کارگران، دست به اجرای وسیع برنامه‌های عمرانی و خدمات اجتماعی بزند. از این طریق هم نیازهای حیاتی و اولیه جامعه برآورده می‌شود و هم کار و شغل برای مدتی طولانی ایجاد می‌شود.

#### ۴- مطالبات صنفی کارگری:

#### الف: حق تشکل مستقل و حق اعتصاب

در نظام کنونی، یک سرمایه‌دار واحد، همه نوع منابعی در اختیار خود دارد و خشن‌ترین ابزار قانونی سرکوب (یعنی دولت سرمایه‌داری و پلیس) در اختیار او هستند. کارگران اما هیچ ندارند جز قدرت جمعی خود برای مبارزه. هر آنچه امروز در درون نظام سرمایه‌داری تحت عنوان حقوق صنفی کارگر شناخته می‌شود محصول دهه‌ها مبارزه تشکل کارگری است؛ از ۸ ساعت کار تا حق مرخصی. هیچ‌یک از این حقوق از سوی سرمایه‌داران به کارگران اعطا نشدند بلکه همگی با مبارزه و به قیمت اعتصابات طولانی به دست آمدند. در ایران و سایر کشورهایی که دیر به جرگه سرمایه‌داری پیوستند بسیاری از این حقوق به دلیل شرایط استبدادی هنوز بر زمین مانده‌است و در غیاب تشکل‌های مستقل کارگری، دولت هر تغییری را که بخواهد در قانون کار می‌دهد. در مقابل تهاجمات دولت و کارفرمایان و تشکل‌های مجهز وابسته به آن‌ها، کارگران باید «تشکل مستقل» خود (مستقل از دولت و کارفرما و احزاب موجود) را برای تصمیم‌گیری در امورشان داشته باشند.

به علاوه «اعتصاب» و اعتراض حق مسلم کارگران است و باید به رسمیت شناخته شود. کارگران حتی اگر هم تشکل مستقل خود را داشته باشند اما مادامی که نتوانند درون این تشکل به راه‌اندازی اعتصاب بپردازند یا به خاطر اعتصاب مجرم شناخته شوند؛ به معنای آنست که گویی تشکلی ندارند و همچنان منفردند. چانه‌زنی کارگر با دولت و کارفرما تنها از طریق این اهرم (یعنی دست کشیدن از کار) ممکن است، و گرنه مادامی که سود کارفرما به موقع تحویل داده شود و چرخ تولید همیشه سر وقت بگردد، کارگران هر قدر هم که تلاش کنند دستاوردی با اعتراضات کلامی نخواهند یافت. البته کارگران نمی‌توانند به انتظار اعطای چنین حقی از سوی دولت بنشینند، بلکه این حق نیز در عمل و با اجرای اعتصابات و اعتراضات کارگری حاصل خواهد شد.

**ب: از تعیین حداقل دستمزد تا مبارزه برای پرداخت معوقات مزدی**

باید دانست که تعیین حداقل دستمزد در کشورهایی مانند ایران که کارگران محروم از حق اعتصاب و تشکل مستقل هستند، همیشه انعکاس اراده استبداد سیاسی سرمایه‌دار علیه مبارزه شکننده و تشکل نیافتۀ کارگران است. به دلیل اهمیت عمومی و همگانی این مطالبه برای تمامی کارگران، استفاده از ظرفیت «جنبشی کردن» مطالبۀ حداقل دستمزد که به پشتوانۀ ظرف اتحاد عمل می‌تواند صورت گیرد بهترین راه حل پیش روی طبقۀ کارگر ایران برای پیگیری این مطالبه (یعنی به عبارتی به‌راه انداختن «جنبش حداقل دستمزد») و سپس پیوند دیگر مطالبات طبقاتی به آن است. مسأله افزایش دستمزد، وجهی از مبارزه طبقاتی و تحقق آن محصول این مبارزه است. در نتیجه افزایش حداقل دستمزد، نه موضوع چانه زنی از بالا، که موضوع جنبش از پایین است و بدون دخالت مستقیم از طرف خود کارگران، اصولاً محتوای طبقاتی‌اش را از دست می‌دهد.

کمیته عمل سازمانده کارگری به جای شعار دفاع از این یا آن رقم افزایش دستمزد، از شعار افزایش دستمزد متناسب با تورم واقعی‌ای که از سوی کمیته‌های مردمی مصرف برای نظارت بر قیمت‌ها اعلام شود دفاع می‌کند. ابتدا کمیته منتخب کارگران باید بر مبنای سبد مصرف کالاها و خدمات اساسی در یک سال (از آموزش و بهداشت و خدمات شهری مانند حمل و نقل و برق و گاز و... تا حق مسکن) یک «حداقل دستمزد پایه» تعیین کند و سپس بعد از آن، این رقم متناسب با تورم محاسبه شده کمیته‌های مردمی مصرف افزایش یابد. کمیته عمل سازمانده، همچنین از شعار همسانی اصل حداقل دستمزد برای تمامی طبقۀ کارگر، حتی کارگران خارج از شمول قانون کار نیز دفاع می‌کند.

**مبارزه برای معوقات مزدی:** سرمایه‌داری و بحران‌هایش تعویق در پرداخت دستمزدها را تبدیل به یکی از عوارض مزمن واحدهای تولیدی کرده‌است. دستمزدهای معوقۀ کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به عنوان یک جرم با قابلیت تعقیب قضایی تلقی گردد و خسارت ناشی از این تعویق به عنوان غرامت به کارگران پرداخت شود. اگر کارفرما ادعا می‌کند که منابع نقدینگی برای پرداخت به موقع دستمزدها موجود نیست، باید دفاتر حسابرسی واحد تولیدی را باز کرده و علناً و به طور شفاف در اختیار کارگران قرار دهد.

**لغو مالیات بر دستمزد کارگران:** تمامی کارگران باید از پرداخت مالیات معاف شوند. مالیات غیرمستقیم (مانند مالیات بر ارزش افزوده) که از مواد اولیه غذایی و مایحتاج اکثریت جامعه اخذ می‌شود، باید فوراً لغو گردد. نظام مالیاتی باید به شکل درجه‌بندی‌شده‌ای با افزایش درآمد به صورت تصاعدی افزایش یابد.

### ج: درباره قراردادهای کار

دولت سرمایه‌داری حاکم بر ایران بخش زیادی از طبقۀ کارگر را با خروج از شمولیت قانون کار، محروم از عقد قرارداد رسمی کرده‌است. بخش خصوصی و دولتی سرمایه‌داری به شکل سیستماتیک در حال نقض قراردادهای رسمی کار و واگذاری استخدام کارگران به واسطه‌گری دلالتان پیمانکار هستند.

ما خواستار برچیده‌شدن و غیرقانونی اعلام‌شدن تمامی قراردادهای موقت و سفید امضا و جایگزینی آن‌ها با قراردادهای رسمی، اجرای فوری بیمه تمامی کارگران ساختمانی و دیگر کارگران مشغول در کارهای موقت هستیم. همچنین نقش شرکت‌های پیمانکاری در استخدام کارگران باید لغو شود و کارگران، طرف معامله مستقیم با کارفرما باشند.

### د: مطالبه مزایای ویژه برای مشاغل سخت و ایمنی محیط کار

به طور میانگین سالانه بیش از هزاران کارگر در حین کار و در نتیجه فقدان ابتدایی‌ترین تمهیدات ایمنی کشته می‌شوند؛ فجایع و سوانح کُشنده در حین کار به جزء ثابتی از سرمایه‌داری ایران بدل شده‌است. فاجعه کشته‌شدن ده‌ها تن در معدن یورت، کشتار سریالی کارگران در



حین ساخت و ساز مترو، آتش‌سوزی پلاسکو و... تنها نوک کوه یخی از انبوه حوادث ریز و درشت کار در ایران هستند. راه‌حل آنست که نهادهای بازرسی محیط کار از سوی نمایندگان واقعی کارگران ایجاد شود. کمیته‌هایی که علاوه بر نظارت بر محیط کار، استفاده و به‌روز بودن تمامی ابزار و ادوات محیط کار با جدیدترین تکنولوژی را تضمین کنند. تحقق چنین مطالبه‌ای هرگز نمی‌تواند به «وجدان» سرمایه‌دار یا «قانون مداری» مأمورین دولت سرمایه‌داری واگذار شود. چنین مطالبه‌ای را خود کارگران با تشکیل کمیته‌های ایمنی باید به دست گیرند و سرمایه‌داران را «وادار کنند» تا رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیط‌های کار را در دستور قرار دهد. اگر سوانح حین کار رخ دهد، هم کارفرما و هم دولت موظف به پرداخت غرامت به کارگر و بازماندگانش هستند. میزان پرداخت غرامت نیز باید تحت نظارت دموکراتیک کارگران تعیین شود. همچنین تمامی کارگران شاغل در مشاغل سنگین و فرسایشی باید دارای حقوق و مزایای ویژه مشاغل سخت باشند و هرگونه عدول کارفرما یا دولت از این حقوق تخلف و مورد پیگیری قضایی قرار گیرد.

## ۵- مطالبات مشخص برای بخش‌های مختلف طبقه کارگر

### الف: پرستاران

رواج قراردادهای پیمانی و سفیدامضا، تحمیل خرده‌کاری‌های اجباری بیمارستانی به پرستاران، فشار اضافه‌کاری‌های طولانی و مهملگی که تا سر حد مرگ برخی پرستاران نیز پیش می‌رود، عدم تعیین تعرفه خدمات پرستاری، عدم تأمین امکانات خواب و استراحت حین شیفت، کتک‌خوردن و چاقو خوردن پرستاران از سوی مراجعه‌کنندگان ناراضی از خدمات بیمارستانی و غیره همگی تنها گوشه‌ای از دشواری‌هایی است که پرستاران در ایران با آن دست به‌گریبانند.

علیرغم آمار بالای بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان پرستاری و بهیاری، با چراغ سبز دولت، شرکت‌های خصوصی و بیمارستانی اقدام به تربیت و جذب کارگران بیمارستانی غیررسمی تحت عنوان «کمک‌پرستاران» و «پرستاران بیمارستانی» (پرستاران عملی و نه دانشگاهی) می‌کنند تا هزینه‌ها و تعهدات قانونی استخدام کارگران آموزش‌دیده پرستاری و دستمزدها را کاهش دهند. ایجاد رقابت و انشقاق بین پرستار دانشگاهی و بیمارستانی، و بین پرستار و کمک‌پرستار هدف دیگر اصلی این سیاست است تا این دو بخش چنان بایکدیگر درگیر شوند که هرگز مجال برای اتحاد بر سر مطالبات‌شان علیه ریاست بیمارستان پیدا نکنند. جنبش اعتراضی پرستاران در وضع کنونی آن متحمل موانع درونی زیادی است که به اساسی‌ترین عامل درجا زدنش بدل شده‌است و چونان سد محکمی در برابر ارتقای آن قرار دارد. یکی از این موانع تفرقه موجود بین کارکنان بیمارستانی است. مانع مهم بعدی سلطه تشکلهای صنفی فرمایشی پرستاری است. در حال حاضر دو تشکل فرمایشی و شبه‌دولتی «نظام پرستاری» و «خانه پرستار» افسار هدایت و جهت‌دهی به اعتراضات پرستاری را در دست خود گرفته‌اند. در اینجاست که ساخت تشکل واقعاً مستقل پرستاری از سوی خود پرستاران اهمیت اساسی در مبارزه آن‌ها دارد.

در بحبوحه اعتراضات پرستاران، محققاً بخشی از بدنه پرستاران درگیر سازماندهی و هدایت اعتصاب و اعتراض در عمل می‌شوند، این بهترین زمانی است که پرستارانی که نقداً درگیر سازماندهی و هدایت اعتراضات در میدان هستند، جمع‌های چند نفره‌شان را تبدیل به کمیته‌های دائمی اعتصاب و اعتراض کنند. کمیته‌هایی از این دست هستند که می‌توانند نطفه‌های تشکل مستقل پرستاری را در عمل شکل دهند و ایده یک تشکل مستقل سراسری پرستاران را تحقق بخشند.

● ساخت تشکل مستقل پرستاران (و همچنین دیگر کارکنان بخش درمان)

● عمومی کردن بیمارستان‌های خصوصی و برچیده‌شدن نظام سهام‌داری پزشکان و انتفاع از بیماری مردم

- کنترل و مدیریت بیمارستان‌ها زیر نظارت دموکراتیک کارگران بیمارستانی و بیماران
- تعریف مسئولیت‌های «کمک پرستار» و «پرستار عملی بیمارستانی» باید با دخالت خود پرستاران و در تطابق با نیازهای واقعی بخش درمان تعیین شود.
- در واحدهای بیمارستانی، کمک‌پرستاران باید برای کاهش فشار انبوهی از خرده‌وظایف بی‌ربطی که ریاست بیمارستان بر عهده پرستاران می‌گذارند، استخدام شوند، با این شرط که ورود کمک‌پرستاران هیچ همپوشانی با مسئولیت‌های پرستاران نداشته باشد و از آن‌ها به عنوان اهرمی برای دستمزدشکنی علیه پرستاران استفاده نشود.
- تمامی کارگران بخش درمان باید قراردادهای رسمی (شامل تمامی مزایا از جمله بازنشستگی) داشته باشند.

## ب: معدن چیان

- عموم کارگران بخش معدن فاقد قرارداد رسمی، سختی مشاغل و بیمه و بازنشستگی هستند، دستمزدهای حداقلی می‌گیرند و به اراده کارفرما در هر لحظه می‌توانند اخراج شوند و سالانه تعداد زیادی کارگر در نتیجه فقدان ابتدایی‌ترین تجهیزات ایمنی در معادن کشته می‌شوند. هرگونه اعتراضی به این وضعیت به شدیدترین وجهی با سرکوب پاسخ می‌گیرد. خصوصاً آنکه عموم کارگران معادن از بخش‌های روستایی و حاشیه‌ای شهرها هستند و همین اسباب استثمار و سوءاستفاده بیشتر کارفرما از آن‌ها را تقویت می‌کند. اعزام یگان ضد شورش برای سرکوب کارگران معترض به انفجار در یورت، شلاق زدن ۱۷ کارگر معترض اخراجی آق درّه و حکم شلاق به معدنچیان بافق و... بخشی از این سرکوب است.
- ملی‌سازی معادن باید تحت نظارت دموکراتیک کارگران عملی شود!
  - کنترل کارگری بر محیط کار (معدن)
  - ایجاد تشکل مستقل معدنچیان
  - عقد قراردادهای رسمی با تمامی کارگران معدن (شامل بیمه، بازنشستگی، مزایای سختی شغل و...)
  - تشکیل کمیته‌های کارگری نظارت بر ایمنی کار
  - در صورت بروز سانحه‌ای که قابل پیش‌گیری بوده باشد، هم کارفرما و هم دولت موظف به پرداخت غرامت به کارگر و بازماندگانش هستند و کارفرما باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرد. در صورت بروز حادثه کاری، کمیته حقیقت‌یابی متشکل از خود کارگران و تکنسین‌های مورد اعتماد آن‌ها باید تشکیل گردد که علت حادثه را ارزیابی کند

## ج: معلمان

- عقد قرارداد رسمی با تمامی معلمان حق‌التدریسی (شامل همه مزایا)
- برچیده‌شدن بساط شرکت‌های خدماتی (پیمانکاری) به عنوان دلال بین معلمان و مدارس
- برچیده‌شدن مدارس غیرانتفاعی و خصوصی (به اضافه مدارس که با عناوین دهان‌پُرکن و گمراه‌کننده‌ای مانند «تعاونی» پروژه خصوصی‌سازی را پیش می‌برند)
- توقف سرکوب دولت علیه تشکل‌های مستقل معلمان
- برچیده‌شدن ضوابط ایدئولوژیک و سیاسی در استخدام معلمان
- تشکیل کمیته تحقیق و تفحص از سوی خود معلمان برای رسیدگی به اختلاس صندوق ذخیره فرهنگیان

## د: آتش نشانان

عوارض ناشی از استرس رانندگی تحت اضطرار و در ترافیک ماندن، اثرات دود و گازهای سمی در محل عملیات، صدای آژیر و بلندگو و نور چراغ گردان، عوارض ناشی از ترشح هورمون‌های دفاعی و آمادگی بدن در برابر حوادث، عوارض ناشی از حرارت و تماس یا جذب مواد شیمیایی یا تشعشعات رادیواکتیویته از طریق پوست و صدمات فیزیکی، خطر سقوط و برخورد اجسام خارجی یا انفجار و غیره، همگی بخشی از مخاطرات و فشارهای جسمی و روحی بر کارگران آتش نشان را شکل می‌دهند.

به دلیل این شرایط کاری، آتش نشانان سخت نیازمند تشکل مستقل برای دفاع از منافع خود و بهبود شرایط کاری‌شان هستند. اما سرنوشت آتش نشانان نیز از این حیث هرچه هست بهتر از دیگر بخش‌های طبقه کارگر نیست. شهرداری‌ها در ایران که قانوناً کارفرمای آتش نشانان محسوب می‌شوند، از ترفندهای حقوقی برای امتناع از به رسمیت شناختن «سختی کار» آتش نشانان استفاده می‌کنند. مطالبات:

- برخورداری آتش نشانان از تشکل مستقل
- به روز کردن تمامی تجهیزات آتش نشانی و لوازم ایمنی کار زیر نظارت دموکراتیک خود آن‌ها
- برخورداری از مزایای «مشاغل سخت و زیان آور»
- کنترل آتش نشانان بر واحدهای آتش نشانی و عزل و نصب مدیر و رئیس هر واحد آتش نشانی در هر لحظه بنا به خواست و با نظارت خود

## ه: کارورزان

دولت با اجرای طرح «کارورزی»، در سال ۹۶، ابتکار عملی برای استثمار بخشی از بیکاران کشور دست و پا کرد. بر مبنای این طرح، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پس از حداقل شانزده سال تحصیل فشرده برای استخدام در واحدهای تولیدی با یک سوم حداقل دستمزد و بدون بیمه و به شکل غیررسمی استخدام می‌شوند. سرمایه‌داران، جذب این بیگاران را چماقی بر سر دیگر کارگرانی خواهند کرد که کوچکترین اعتراضی درباره شرایط کار، بیمه و دستمزد از خود بروز دهند.

با این حال در غیاب نفوذ یک نیروی سازمانده پیشرو که ظرفیت اعتراضی این بیکاران را به یک جنبش ضد سرمایه‌داری پیوند زند، چند صد هزار نفر بیکار، برای ثبت نام در این طرح صف کشیدند. سازماندهی اعتراض علیه بیگاری‌کشی طرح کارورزی باید به طور توأمان از دل دانشگاه و محیط‌های کار علیه دولت سرمایه‌داری حاکم بلند شود. کمیته عمل سازمانده کارگری در رابطه با چند صد هزار کارورزی که یک سوم حداقل دستمزد حقوق می‌گیرند و از آن‌ها برای دستمزدشکنی دیگر کارگران استفاده خواهد شد، مطالبه استخدام رسمی کارورزان (با برخورداری از بیمه و احتساب سنوات و حداقل دستمزد) را در دستور خواهد گذاشت.

## ۶. آسیب پذیرترین بخش‌های طبقه کارگر

### الف: کارگران مهاجر

در تمامی سالیان گذشته، طاقت‌فرساترین و غیرانسانی‌ترین کارها به دست نیروی کار ارزان افغانستانی‌ها در کشور انجام شده، پاساژها و برج‌های دولت و سپاه و سایر سرمایه‌داران بومی با عرق و خون آن‌ها ساخته شده‌است و اکنون که تمام استفاده‌ها از آن‌ها را انجام داده‌اند آن‌ها را مسبب «اشباع بازار کار بومی» معرفی می‌کنند و سعی دارند کارگران ایرانی را علیه آن‌ها بشورانند. اقدام مأموران دولت در حبس کارگران افغانستانی در قفس و نمایش عمومی آن‌ها، ممانعت از حقوق انسانی‌شان، امتناع مدارس از پذیرش کودکان افغان، تجاوز و ضرب

و ششم مهاجرین در پایگاه‌های پلیس جزوی از ظلم هرروزه‌ای است که علیه این کارگران می‌رود. این درحالیست که سالانه ده‌ها میلیون دلار کمک‌هزینه از سوی سازمان ملل به خاطر مهاجرت‌پذیری به دولت ایران واریز می‌شود که معلوم نیست با این بودجه‌ها چه می‌شود.

- حق پناهندگی و اعطای شهروندی به تمامی مهاجرین افغانستان و دیگر کشورها در ایران
- شمول تمامی کارگران مهاجر در قانون کار و پیگرد قضایی سرمایه‌دارانی که از این اصل عدول کنند.
- مسئولیت دولت در اسکان دهی شایسته مهاجرین در کشور و مطالبه اعطای خدمات اجتماعی رایگان به کل کارگران کشور (اعم از مهاجرین)

### ب: کارگران ملل تحت ستم

بیکارسازی تعمدی در مناطق دارای اقلیت‌های قومی، محصول تلاقی سیاست‌های اقتصادی-طبقاتی حاکمیت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و سیاست‌های ایدئولوژیک و ملی‌گرایانه‌اش علیه اقلیت‌های ملی است. به‌طوریکه هرچند بیکارسازی‌های گسترده نصیب کل طبقه کارگر ایران می‌شود، اما ممانعت از توسعه اقتصادی مناطق غیرفارس، نرخ‌های بیکاری بالای ۵۰٪، عقب‌ماندگی زیرساخت‌ها، گزینش‌های استخدامی غیربومی از سوی شرکت‌های وابسته به دولت و ده‌ها سیاست دیگر سبب شده است که طبقه کارگر ساکن در این مناطق (از سیستان و بلوچستان تا خوزستان و کردستان) در صف اول گزند سرمایه‌داری ایران قرار گیرند. شکاف بارز بین توسعه اقتصادی در استان‌های مرکزی کشور و استان‌های غیرفارس‌نشین، محرومیت از حق تحصیل به زبان مادری (که سبب افت تحصیلی شدید دانش‌آموزان غیرفارس می‌شود) و بالنتیجه آمار بالای بازماندگان از تحصیل، فقر فزاینده و رواج غیرعادی اعتیاد، تبعیض و تحقیر قومیتی، شکاف انداختن بین طبقه کارگر به اسم ملی‌گرایی، برخوردهای فوق‌امنیتی و سرکوب‌های حداکثری در قبال کوچکترین بارقه‌های اعتراض، صدور فله‌ای احکام اعدام و غیره همگی بخشی از تجلی درهم‌تنیدگی دو ستم طبقاتی و ملی با یکدیگر علیه زحمتکش‌ان ملل تحت ستم است که در این مناطق بیداد می‌کند.

شوراندن ملل علیه یکدیگر و کوبیدن بر طبل ناسیونالیسم و فرقه‌گرایی و تجزیه‌هراسی همیشه یکی از تاکتیک‌های سرمایه‌داری حاکم برای شکاف انداختن و جلوگیری از اتحاد طبقه کارگر کشور بوده‌است. برای همین است که همبستگی کارگران از هر ملیت با یکدیگر در مبارزه طبقاتی کنونی علیه دولت سرمایه‌داری به شدت ضروری است.

- مفروض دانستن حق تعیین سرنوشت (تا سرحد جدایی) برای ملل تحت ستم
- حق آموزش به زبان مادری
- توقف فوری گزینش‌های غیربومی استخدام کار در این مناطق؛ توسعه زیرساخت‌ها (اعم از عمرانی، آموزشی، بیمارستانی و...) و مسئولیت دولت در تأمین اشتغال همگانی در این مناطق
- ضرورت گرفتن رهبری حل مسئله ملی به‌دست کارگران انقلابی
- مبارزه برای ساخت یک فدراسیون سوسیالیستی داوطلبانه در خاورمیانه متشکل از تمامی ملل (به‌عنوان بخشی از فدراسیون سوسیالیستی جهانی)

### ج: زنان کارگر

نرخ رسماً دو برابری بیکاری در میان زنان، شکاف‌های دستمزد بین زنان و مردان در برابر کار یکسان، اشتغال تمام‌وقت میلیون‌ها زن به کار بی‌مزد خانگی، آمار بالای زنان خارج از شمول قانون کار که بخش زیادی از آنان در کارگاه‌های تولیدی زیرزمینی و خانگی مشغول به کارند و جمعاً طبق اعلام دولت هشتاد درصد کارگران غیررسمی کشور را تشکیل می‌دهند، همچنین رویه غیررسمی‌سازی نیروی کار زنان که از طریق تحمیل انواع «دورکاری»، «پاره‌وقت کردن مشاغل تمام‌وقت» و موقت‌سازی قراردادها بر آنان تحمیل می‌شود؛ بخشی از

تصویر وضعیت زنان کارگر در ایران است. سیاست‌هایی مانند تحمیل «دورکاری» (تله وُرکینگ یا بسته‌بندی در خانه و...) که زنان را از اجتماع و محیط کار به کنج خانه‌ها می‌فرستد و مانع رشد آگاهی و مبارزات جمعی آنان می‌گردد، بخشی از روند منزوی کردن و غیررسمی کردن زنان طبقه کارگر است. همچنین سیاست شکاف‌اندازی سرمایه‌داری بین طبقه کارگر سبب می‌شود که با سوءاستفاده از نیروی ارزان کارگران زن و ایجاد رقابت بین دو جنس در محیط‌های کار، آن‌ها را علیه یکدیگر بشوراند. کارگر زن می‌بیند که از کارگر مردی که دوشادوشش کار می‌کند دستمزد کمتری می‌گیرد و کارگر مرد از اینکه به خاطر وجود نیروی کار ارزان زن او را اخراج کرده‌اند ناراضی است. حال آنکه تردیدی وجود ندارد که دشمن مشترک هر دوی آنان سرمایه‌داران و سرمایه‌داری است.

ضروری است که پیشروان کارگری فارغ از هر جنسیت در صف اول مبارزه توامان برای حقوق دموکراتیک و مبارزه طبقاتی زنان فعال باشند و رهبری مبارزه دموکراتیک زنان را بدست گیرند.

- رفع تبعیض در اشتغال زنان (در امور استخدامی، دستمزد، تفکیک جنسیتی در محیط کار و نظایر آن)
  - برچیده‌شدن استثمار کارگران در قالب «دورکاری» و «مشاغل خانگی» و پیگیری بازگرداندن کارگران زن به محیط جمعی کار
  - پرداخت مزد از سوی دولت به تمامی زنان کارگر و زحمتکش در قبال انجام کار بی‌مزد خانگی
  - تأسیس مهدکودک‌ها، آشپزخانه‌ها و رختشورخانه‌های عمومی رایگان و همگانی به منظور برداشتن بار کار خانگی از دوش زنان
  - حق مرخصی زایمان برای زنان (یک‌سال)، همراه با پرداخت کامل حقوق و مزایا و احتساب آن در سنوات
  - پیگرد قضایی هرگونه اخراج به دلیل ازدواج یا بارداری یا تحمیل شروطی از سوی کارفرما بر حقوق کار زنان
  - اجرای غربال‌گری‌های تماماً رایگان برای پیشگیری از بیماری‌های زنانه؛ رایگان‌سازی تمامی وسایل پیشگیری از بارداری
  - هرگونه استفاده ابزاری از زنان در محیط کار برای جلب مشتری یا خوشامد کارفرما باید مورد پیگرد قرار گیرد.
- \*\*\*درمورد مطالبات دموکراتیک زنان به بند الف از بخش ۱۰ از همین برنامه مراجعه نمایید.

## هـ معلولین

تبعیض علیه معلولین فقط در قالب تحقیر و بدرفتاری جلوه‌گر نمی‌شود، بلکه بیش از هر چیز به شکل تحمیل بیکاری سیستماتیک بر آن‌ها و پس زده‌شدن از محیط‌های کار، خود را نشان می‌دهد. در واقع حتی ریشه‌های دسته‌بندی انسان در قالب «معلول» و انتساب بار منفی به آن هم به ظهور جامعه سرمایه‌داری و تنظیم جامعه بر محوریت سود بازمی‌گردد.

معلولین طبقه کارگر جزو محروم‌ترین و ستم‌دیده‌ترین‌های این طبقه هستند. تبعیض‌های سیستماتیک نظام آموزشی و درگیری بلندمدت معلول با بیماری، وی را از شرایط رشد برابر نسبت به دیگران بازمی‌دارد. فشارهای نظام سرمایه‌داری بر فرد معلول خردکننده‌تر از فشار بر دیگر کارگران است. مخارج سنگین پزشکی و آزمایشگاهی، نیاز معلول به ادوات ویژه و کمکی، نیاز به برخی خدمات مراقبتی که در غیاب تأمین اجتماعی برعهده فرد و اطرافیانش است، همچنین تبعیض سیستماتیک در حوزه استخدام و اشتغال، فرد معلول را کاملاً به حاشیه جامعه می‌رانند. بیکاری معلول، در کنار تبعیض‌ها و عدم دسترسی راحت او به امکانات شهری سبب فرو رفتن بسیاری از معلولین به ورطه انزوا و افسردگی و فشار روحی می‌شود که مشکلات آن‌ها را چندین برابر می‌کند.

برخی سرمایه‌داران، کارگر معلول خود را به چشم یک «معضل» نگاه می‌کنند که به زعمشان چون هزینه‌های استخدام را بالاتر می‌برد پس به دنگ و فنگ‌شان نمی‌ارزد. بخش دیگری از سرمایه‌داران با سوءاستفاده از محرومیت‌های معلولین و نیاز شدید آن‌ها به کار از این آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند و با جمع‌آوری عده‌ای کارگر معلول زیر یک سقف، «کارگاه‌های ویژه معلولین» راه می‌اندازند و به آن‌ها حقوق و مزایایی کمتر از یک کارگر عادی در قبال کار یکسان می‌دهند. این سرمایه‌داران به کارگران معلولی که علیرغم داشتن مهارت به

خاطر تبعیض از بازار کار حذف شده‌اند، به‌گونه‌ای القا می‌کنند که گویی کار دادن به آن‌ها از سر لطف بوده‌است و نباید انتظاری همچون یک کارگر عادی از کارفرما داشته‌باشند. صاحبین این کارگاه‌ها در عین حال همین استثمار را به اسم کار «خیر» تبلیغ کرده و به بنگاه‌های خیریه قالب می‌کنند و معافیت مالیاتی می‌خرند. مضافاً آنکه دولت هم عملاً با تصویب لایحه‌ای که خروج این کارگاه‌ها از قانون کار را وجهه‌ای قانونی ببخشد، چراغ سبزش را به این شیوه از استثمار نشان داده‌است.

بیش‌تر معلولیت‌ها خود ناشی از شرایط اقتصادی-اجتماعی حاضرند. بسیاری از مردم به خاطر فقر، سوء تغذیه، نبود امکانات بهداشتی، آلودگی محیط‌زیست و فقدان ایمنی در محیط کار معلول می‌شوند. به همین دلیل است که مسأله ساده‌ای مانند انجام غربالگری‌های رایگان ژنتیک یا ارائهٔ مجانی و فراگیر خدمات توانبخشی برای طبقهٔ کارگر می‌تواند اولاً از بسیاری از معلولیت‌ها و عود کردن آن‌ها جلوگیری کند و ثانیاً وضعیت سلامت فرد را به میزان قابل توجهی بهبود دهد.

در ایران وضعیت معلولین به معنای واقعی کلمه رقت‌بار است. دولت و نهادهای وابسته به آن هیچ مسئولیتی در قبال معلولین نمی‌پذیرند. خیابان‌ها، حمل و نقل عمومی و دیگر تجهیزات شهری هیچ‌یک برای معلولین قابل استفاده نیستند. از تعداد بسیار زیاد معلولین محروم تنها درصد اندکی از آن‌ها از سازمان «بهبیستی» خدمات می‌گیرند و حتی همین خدمات نیز در قیاس با نیازهای آن‌ها مضحک است. بودجه‌ها و صندوق‌های حمایتی که به اسم خدمات‌دهی به معلولین ترتیب داده می‌شوند دست‌آخر از سازمان‌های «خیریه» بدون نظارت مالی شفاف سر در می‌آورند. مطالبات کمیتهٔ عمل سازماندهٔ کارگری در حوزهٔ معلولان:

- غربالگری رایگان برای همهٔ مردم در تمامی حوزه‌های سلامت (اعم از آزمایش‌های گران‌قیمت ژنتیک)
- بیمه‌های درمان جامع و کاملاً رایگان برای معلولین و طرح‌های توانبخشی رایگان و در دسترس برای همه
- اجرای بندهای حذف‌شدهٔ «و» و «ز» مادهٔ ۷ لایحهٔ حمایت از معلولین (سال ۸۳)؛ مبنی بر الزام دولت به تخصیص ۶۰٪ از استخدامی‌های تصدی دفتری و ماشین نویسی و تلفنچی (اپراتور تلفن) به معلولین.
- الزام تمامی واحدهای بزرگ تولیدی به اختصاص اجباری سهمیه‌ای از استخدامی‌های خود به معلولین.
- پرداخت دائمی مستمری از سوی دولت به افراد دارای معلولیت شدید مطابق با میزان حداقل دستمزدی که زیر نظارت کمیتهٔ منتخب کارگران تعیین شده‌است.
- تطابق تمامی تجهیزات شهری (خیابان، اتوبوس، مترو، پارک و غیره) متناسب با نیازهای معلولین.

## ۷- امپریالیسم:

شیوهٔ تولید سرمایه‌داری، یک شیوهٔ تولید جهانی است که تمامی کشورها به درجات مختلف، از پیشرفته تا عقب‌مانده، در آن ادغام شده‌اند. توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی کشورهای نظیر ایران تاریخاً به دلیل آغاز به حیات دیرنگام سرمایه‌داری در این قبیل کشورها و با فشار امپریالیسم از بالا بوده‌است. به این ترتیب است که انبوهی از وظایف و تکالیفی که تاریخاً بر دوش بورژوازی اروپا بود، در کشورهایی مانند ایران حل نشده باقی ماند؛ چرا که بورژوازی بومی در این مناطق دنباله‌امپریالیسم و خصلتاً استبدادی بوده‌است. از این روست که حل هر معضل اجتماعی یا حتی مطالبات پایه‌ای دموکراتیک نیز در این مناطق از مدار مبارزه با سرمایه‌داری می‌گذرد؛ واضح است که هر گونه مبارزه با سرمایه‌داری الزاماً باید به موازات مبارزهٔ ضد امپریالیستی باشد.

## الف: تشکیل جبههٔ سوم در صورت بروز جنگ

جمهوری اسلامی ایران تمام‌قد و علناً در جنگ داخلی سوریه دخالت کرده و فعال است و با تبلیغات ایدئولوژیک سنگین و تلقین حس «امنیت ملی» و «جزیرهٔ ثبات»، نقش نظامی خود را به‌عنوان «مدافع حرم» توجیه می‌کند و با نشان دادن یک دشمن فرضی در پشت مرزها و ایجاد واژه‌ها، سرنگونی خودش را در چشم توده‌ها امری به مراتب پرهزینه‌تر نشان می‌دهد!

حمایت از جبههٔ رژیم‌های ایران، پوتین و اسد در جنگ داخلی سوریه یا حمایت از رژیم ایران در صورت بروز هرگونه حملهٔ نظامی خارجی همان‌قدر محکوم است که هرگونه مداخلهٔ خارجی امپریالیستی و قدرت‌های سرمایه‌داری منطقه‌ای در سوریه، ایران یا هر کشور دیگر. به جای حمایت از این یا آن جبههٔ ارتجاعی، ما از یک جبههٔ مستقل و حقیقتاً انقلابی حمایت می‌کنیم و از کارگران کشورهای درگیر جنگ امپریالیستی خواهیم خواست که با حمایت از یکدیگر، این جبهه را به یک آترناتیو واقعی در مقابل دو گروه دیگر تبدیل کنند. فقط متحدین انقلابی قادرند در شرایط بروز جنگ، از طریق بسیج نیروهای خود در سطح کشور، و دست زدن به اعتصاب‌های عمومی و مختل کردن سیستم، دولت متخاصم و اشغالگر کشور خود را تا حد زیادی وادار به عقب نشینی کنند. توده‌های زحمتکش، نه از رژیم خود منتفع می‌شوند و نه از سایر نیروهای بورژوازی دست پروردهٔ امپریالیست‌ها و قدرت‌های ارتجاعی منطقه‌ای.

### **ب: وظایف کارگران پیشرو در صورت ورود «سازمان جهانی کار» به ایران**

استراتژی «سازمان جهانی کار» آن است که صاحبان سرمایه (به خصوص خارجی) در هر کشوری باید در میان کارگران، طرف مذاکره‌ای داشته باشند، در غیر این صورت هرگاه اعتراضی از سوی کارگران صورت بگیرد، اعتراض بالقوه می‌تواند به شورش تبدیل شود و با مصادره و نابود کردن ماشین آلات و تحمیل خواسته‌های خود به کارفرما، «امنیت سرمایه» و «سودآوری» را به خطر بیندازد. سرمایه‌داران تمایلی ندارند با عدهٔ وسیعی از کارگران عصیان‌گر مذاکره کنند، برای همین به دنبال نمایندگان در میان‌شان می‌گردند که طی مذاکره با آن‌ها، کل کارگران را متقاعد و مجاب به مماشات کنند. تشکل صنفی کارگری از نظر آن‌ها چنین کارکردی را دارد و عضویت هرچه بیشتر در آن، امکان کنترل هرچه بیشتر کارگران را فراهم می‌کند. برای سرمایه‌داری سخت نیست که با نفوذ رفرمیسم و بوروکراسی به درون این تشکلات، آن‌ها را مطیع خواسته‌های خود سازد؛ در نتیجه سرمایه‌داران نگران تشکل صنفی به خودی خود نیستند، بلکه از آن نوع تشکلی منزجرند که به مبارزهٔ سیاسی و ضد سرمایه‌داری کشیده شود.

سوال اینست که در صورت گشایش دفتر ILO و ایجاد تشکل‌های کارگری از بالا در ایران در یک چشم انداز بلندمدت، چه موضعی باید اتخاذ کرد؟ در این حالت جدید، خط صحیح و انقلابی، مداخله‌ای مشروط است. به این معنی که در صورت وجود تودهٔ کارگری در یک چنین تشکلات زردی، باید در آن‌ها مداخله کرد تا توهم توده‌های کارگری به چنین نهادهایی خنثی شود (مداخله‌ای با سازمان‌یابی مخفی و به شکل غیرعلنی در درون پایه‌ها). بنابراین یک نیروی انقلابی، مداخله در چنین نهادهایی را به عنوان پیش‌شرط مفروض می‌گیرد. منتها برای این دخالتگری، اولاً باید ظرف و تشکیلاتی از «پیش» تدارک دیده شده باشد، چرا که نمی‌توان نیروی «جذب شده» را بین زمین و هوا رها کرد؛ ثانیاً باید «هدف» از دخالتگری و ارزیابی آن دقیقاً مشخص باشد.

### **۸- اتحاد طبقاتی کارگران با خرده‌بورژوازی، فقرای شهری و سایر زحمتکشان**

بحران‌های فزاینده و درونی سرمایه‌داری، مدام بورژوازی کوچک و خرده بورژوازی را در این نظام نادار کرده و به سمت طبقات پائین هل می‌دهد. سرمایه‌های انحصاری، بورژوازی کوچک و متوسط را از رقابت به در می‌کنند و خصومت آن‌ها را برمی‌انگیزند. در یک کلام یکی از ویژگی‌های عصر کنونی سرمایه‌داری، بی‌ثبات کردن موقعیت بورژوازی کوچک و خرده بورژوازی است.

بحران بیکاری، آزادسازی یارانه‌ها، تحریم‌های اقتصادی و رشد سرمایه‌های انحصاری سپاه در اقتصاد، اولاً به بی‌ثباتی جایگاه طبقاتی و فشار بر خرده‌بورژوازی انجامیده است. ثانیاً وقتی این فشار در کنار فسادها و اختلاس‌های نجومی اصلاح‌طلبان و درج‌زدن‌شان از گرفتن امتیازهای نیم‌بند دموکراتیک از جناح دیگر قرار می‌گیرد، نارضایتی سیاسی بخش‌هایی از این طبقات را دامن می‌زند.

بخشی از سرمایه‌داران که به دلیل رانت‌های رقیب، انحصار و فشارهای اقتصادی از گردونه رقابت خارج شده‌اند، در مقام «اپوزسیون» سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ظاهر می‌شوند، با اینحال اینان از حیث منافع در جبهه سرمایه‌داران هستند و پیرو منافع طبقاتی‌شان، دیر یا زود مدافع سرکوب کارگران خواهند بود، برای همین هم نمی‌توانند متحد کارگران باشند.

خرده‌بورژوازی شهری به خاطر فشارهای اقتصادی و کم‌رشدن بودن حیات واحدهای کوچک اقتصادی در چهارچوب سرمایه‌داری، دو پاره خواهد شد و یک بخش از آن‌ها به دلیل این فشارهای اقتصادی به درون صفوف طبقه کارگر پرتاب می‌شود. کارگران بخشی از متحدان خود را در این پاره خواهند جست. با اینحال نباید فراموش کرد که تمایل دائمی خرده‌بورژوازی برای تبدیل شدن به یک بورژوا، بالقوه خصلتی دمدمی مزاج و از حیث مواضع سیاسی متزلزل به او خواهد داد، چنانچه کارگران، رهبری خرده‌بورژوازی ناراضی شهری را به دست گیرند و نارضایتی و اعتراض آن‌ها را به سوی مبارزه ضد سرمایه‌داری هدایت کنند، نتیجه این اتحاد، تقویت جنبش ضد استبدادی و ضد سرمایه‌داری خواهد بود. اما چنانچه جبهه مشترکی با خرده‌بورژوازی صورت گیرد، اما رهبری به دست عناصر خرده‌بورژوا و نه کارگران انقلابی بیافتد در این صورت، خیانت این عناصر و چرخش به سوی جبهه ضد انقلاب بورژوازی، و بالتبع شکست جنبش محتوم است. پس چنین اتحادی تنها به رهبریت طبقه کارگر، خصلتی انقلابی خواهد یافت.

از سوی دیگر خود طبقه کارگر ایران نیز به دلیل بحران بیکاری، رشد سرمایه انگلی مالی و اختلال در تولید واقعی، تحریم اقتصادی و غیره دچار تجزیه و پراکندگی شده است. انحلال کارخانه‌های بزرگ و رشد قارچ‌گونه کارگاه‌های غیررسمی کوچک، برون سپاری بخش مهمی از تولید به کشورهایمانند چین، تعداد زیاد کارگران «دورکار» و غیره در کنار ارتش بزرگ بیکاران تصویر این پراکندگی را بهتر ترسیم می‌کند. بخشی از طبقه کارگر که از پروسه تولید خارج شده است، بدل به فقرای شهری می‌شود. پاره‌ای از این فقرای شهری متحد کارگران خواهند بود. اما بخشی از این فقرای شهری به جایگاه لمپن پرولتاریا، یعنی به ابزار جاسوسی و سرکوب حاکمیت سرمایه‌داری علیه کارگران بدل می‌شوند. عضوگیری‌هایی که در پایگاه‌های بسیج، مساجد، سپاه، مأمورین انضباط شهری وابسته به شهرداری و بخش «حراست» بنگاه‌های سرمایه‌داری صورت می‌گیرد تقریباً همیشه از میان این قشر است. لمپن پرولتاریا ابزار دست سرمایه‌دار برای سرکوب علیه کارگر است، با او نه می‌توان اتحادی کرد و نه ظرفیت و امکان مشارکت در جنگ طبقاتی علیه سرمایه‌داران را دارد، برعکس علیه کارگر می‌جنگد و مزدش را به دلیل این جنگ می‌گیرد.

اما رهبری سایر بیکاران و کارگران منزوی از محیط‌های جمعی و فقرای شهری که در بالا ذکر شد، باید به دست متشکل‌ترین، مترقی‌ترین و طبقه‌آگاه‌ترین بخش از طبقه کارگر (بالاخص کارگران بخش صنعتی کشور) باشد. چرا که این اینان هستند که شریان اقتصادی کشور را در دست خود دارند، موتور محرک جنبش محسوب می‌شوند و با یک اعتصاب سراسری می‌توانند کمر دولت سرمایه‌داری را بشکنند و چرخ اقتصاد را تا برآورده شدن کلیه مطالبات متوقف کنند.

## ۹- تاکتیک‌های سیاسی کمیته و برخی ملاحظات عملی:

### الف: درباره نسبت تاکتیک و استراتژی انقلابی



تاکتیک‌ها به مبارزات منفرد و مجرد ربط پیدا می‌کنند، مثلاً کارگران از تاکتیک اعتصاب یا تحصن یا کُندکاری برای افزایش دستمزدهایشان استفاده می‌کنند. اما استراتژی برعکس به مجموعه‌ای از تاکتیک‌هایی که برای دستیابی به هدف نهایی به کار می‌رود، اطلاق می‌شود. پیشروان انقلابی مبلّغ تاکتیک‌هایی هستند که تابعی از استراتژی عمومی‌شان و در انسجام منطقی با مسیر انقلابی باشد و نه در تضاد با آن؛ هدف تاکتیک سوسیالیستی، انتقال مبارزه موجود به سطحی بالاتر به منظور کسب قدرت سیاسی به دست طبقه کارگر است. سوسیالیست‌های انقلابی هرگز حوزه مطالبات رفرمیستی را بیرون نمی‌گذارند، منتها با این شرط که این حوزه را به سرعت بتوانند رادیکالیزه کنند و به سطح بالاتری از مطالبات ارتقا دهند. علاوه بر این تاکتیک‌های مبارزه انقلابی باید خصلت فراگیر کردن یک اعتراض را در جنبش داشته باشند. از این رو هرگونه تاکتیکی تنها زمانی اعتبار پیدا می‌کند که بتواند گشایشی در ارتقای مبارزه طبقاتی و ضد سرمایه‌داری داشته باشد. چنین تاکتیک‌هایی هرگز از چنّه نظری یا یک برنامه از پیش مدون بیرون نمی‌آیند بلکه با تحلیل مشخص از شرایط مشخص پرورده می‌شوند و در طی زمان در جنبش به آزمایش گذاشته و محک خواهند خورد.

### **ب: «انتخابات» و سیاست «تحریم فعال»**

عموماً با نزدیک شدن به روزهای انتخابات نمایشی رژیم، سه گرایش اصلی در طیف چپ به طور کلی بروز می‌کند. طیف اول رفرمیست‌های شرمندگی هستند که به زعم خودشان نه به شکل اصولی که به شکل «تاکتیکی» در انتخابات مشارکت می‌کنند تا به اصطلاح شرایط و توازن قوای عمومی را به سود جنبش کارگری و چپ تغییر دهند! طیف دوم خواهان تحریم انتخابات است، ولی درک صحیحی از ماهیت تحریم ندارد. یعنی تنها به این بسنده می‌کند که بگوید انتخابات ربطی به مبارزین سوسیالیست ندارد و آن‌ها باید در زمان انتخابات به کارهای خودشان بپردازند! برای این طیف، تحریم به معنای «بی‌عملی»، «انفعال» و «خانه‌نشینی» است. پیشروهای جنبش کارگری به عنوان طیف سوم وارد دخالت می‌شوند. برای ما تحریم انتخابات غیرآزاد در سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران یک اصل مفروض و مقدماتی است. از این‌جا به بعد شکل و نحوه اجرای تحریم است که تاکتیک ما را از سایر طیف تحریم‌کنندگان متمایز می‌کند. در واقع از نظر ما تحریم، یک بخش از مبارزه فعال عملی است. انتخابات و فضای جامعه در این برهه، یک مسأله و فضای روزمره نیست. پیشروها در این ایام باید مبارزه را ادامه دهند و خیابان‌ها را به تریبون کارگران، به تریبون تمامی ستم‌دیدگان و تمامی زندانیان سیاسی و جنبش کارگری تبدیل کنند. به بیان دیگر باید از فضای به‌وجود آمده در انتخابات، علیه خود انتخابات و سرمایه‌داری حاکم استفاده کنیم. نوک پیکان مبارزه را علیه ریشه اصلی وضع موجود، یعنی نظام سرمایه‌داری نشانه بگیریم. با نصب تراکت و توزیع اعلامیه و پوستر در محلات و محیط کار و معابر عمومی و پارک و اتوبوس و مترو و هرجایی که بتوانیم، هم انتخابات را فعالانه تحریم می‌کنیم و هم مواضع و بحث‌های خودمان را به مردمی که سیاسی شده‌اند ارائه دهیم و هم این‌که یک الگو و سبک عملی را به کسانی که می‌خواهند انتخابات را تحریم کنند نشان دهیم.

### **ج: مواضع کمیته نسبت به روش‌های پاسیو و منفعلانه مبارزه مسالمت‌آمیز**

کمیته، مواضع‌اش نسبت به «خشونت» را به مانند یک اصل و قاعده فرمول‌بندی نمی‌کند. خشونت یک تاکتیک است. برای آن که له یا علیه خشونت موضع‌گیری کنیم، باید ارزیابی کرد چه کسی و با چه هدفی از خشونت استفاده می‌کند. سوسیالیست‌های انقلابی مشروعیت خشونت را در نسبتش با مبارزه طبقاتی می‌فهمند.

کمیته سازمانده کارگری از حق کارگران و تمام گروه‌های تحت ستم برای مسلح شدن و دفاع از خود در برابر ستمگر پشتیبانی می‌کند و نگاه تاکتیکی به خشونت را ناقض به رسمیت شناختن این حق نمی‌داند. هرگونه موضع‌گیری به انواع خشونت منوط به ارزیابی آن خشونت در بستر و زمینه مشخص و با پیامدهای احتمالی‌اش است.

**د: پروژه امپریالیسم برای جایگزینی «مسالمت» به جای «مبارزه طبقاتی»:** با شکست انقلاب روسیه و فروپاشی شوروی، امپریالیسم تبلیغات زیادی را برای اشاعه یأس از مبارزه ضد سرمایه‌داری و انقلاب کارگری در جهان پراکند. پس از فروپاشی، مداخلات امپریالیستی در کشورهای بحران‌زده پیرامونی برای آلترناتیوسازی از بالا و انتقال قدرت از طریق به اصطلاح «انتخابات» به عنوان معرفی الگوی جایگزین انقلاب کارگری به مردم کشورهای پیرامونی پیشنهاد می‌شد.

در ایران هم در پی سرکوب دهه شصت، زمانی که سازمان‌های چپ عمدتاً تجزیه‌شده و از حیث تشکیلاتی در هم شکسته بودند و مبارزین در وضعیت مخفی و پراکنده به سر می‌بردند، فرصت ایده‌آلی فراهم شد تا کسانی در هماهنگی با این پروژه ضدانقلابی امپریالیسم (یعنی «تسالم و آشتی طبقاتی») برای درهم کوفتن آخرین بارقه‌های آلترناتیو سوسیالیستی به فراست بیافتند. در طول دهه هفتاد بود که ناگهان چهره‌های جدیدی با دسترسی به منابع چرب و نرم امپریالیستی و با بنیانگذاری ان‌جی‌اوها و کسب انواع مناصب من‌درآوردی پژوهشی و مشاوره‌ای، نوبل‌گرایی و جوایز بنگاه‌های «صلح امپریالیستی» در داخل و خارج کشور، مهره‌های اجرایی و تریبون تبلیغی این پروژه فراخوان به «آشتی طبقاتی» شدند.

تریبون تبلیغی این پروژه ارتجاعی، از هر ابزاری برای جانداختن ایده مرگ انقلاب استفاده می‌کرد؛ از «عرفان» تا «لیبرالیسم سکولار» تا رواج نسخه‌های «مارکسیسم علنی» و «چپ نو» که همگی در جهت تقویت این پروژه به کار می‌رفتند. خصوصاً پروژه‌های مارکسیسم علنی و جریان ترجمه از نسخه‌های دست‌چندم سوسیال‌دموکراسی اروپایی چنان قوت گرفت که «مارکسیسم» دیگر نه به مرکز رعب حاکمیت که به یکی از جریان‌های روشنفکری و آکادمیک خودی بدل شد.

علیرغم آنکه دو دهه‌ای از پروژه ترویج «مبارزه مسالمت‌آمیز» در ایران می‌گذرد و تناقضات این ترزاها بارها و بارها در تجربه عملی این دو دهه برای مردم افشا شده‌است، اما این پروژه همچنان به قوت خود فعال است؛ اپوزیسیون‌سازی در داخل و خارج کشور از سوی جناح‌های مختلف بورژوازی صورت می‌گیرد و امپریالیسم در تن هر یک از این چهره‌های اپوزیسیون یک «ماندلا» می‌جوید تا در زمان لازم که جنبش اعتراض توده‌ای پا گرفت، آن‌ها را در جلوی جنبش قرار دهند تا بلکه آرام‌کننده اعتراضات باشد.

خشونت، تاکتیکی است که در پیوند با استراتژی مبارزه طبقاتی باید آن را استفاده کرد. این به معنای آن نیست که هر تاکتیکی باید خشونت‌آمیز باشد یا غیرخشونت‌آمیز باشد، بلکه ترکیبی از این دو در مبارزه طبقاتی لازم است و استفاده از هر تاکتیک منوط به ارزیابی آن تاکتیک در بستر و زمینه مشخص و با پیامدهای احتمالی‌اش است.

ما قاطعانه با روش‌های پاسیو و منفعلانه‌ای که تاکتیک‌های تهاجمی را به نفع حرکات نمایشی و نمادین کنار می‌زنند مخالفت می‌کنیم و پافشاری بر چنین تاکتیک‌هایی با منطق قداست «مبارزه مسالمت‌آمیز» را نتیجه پروژه‌های ایدئولوژیک سرمایه‌داری برای فلج کردن مبارزه طبقاتی می‌دانیم. نمونه‌هایی از این دست تاکتیک‌های پاسیو بسیارند: اعتصاب غذا در بیرون از زندان، روشن کردن نمادین چراغ اتوبوس‌های شرکت واحد از سوی سندیکا (به جای سازماندهی اعتصاب)، عریضه‌نویسی و طومارنویسی برای دستگاه بورژوازی، شعارنویسی‌های کف دست و عکس گرفتن از خود در کنج خانه، بادکنک هوا کردن، رکاب زدن بر دوچرخه برای صلح، انواع فعالیت ان‌جی‌اویی و خیریه‌ای و ...

### **ذ: دفاع جمعی در مقابل تهاجم سرکوب‌گرانه سرمایه‌داری:**

وقایع شورش مه‌باد و بانه یا یورش وحشیانه به کارگران هپکو و آذرآب اراک نشان داد که گسترش یک اعتراض و جهش سطح آگاهی سیاسی و اعتماد به نفس با چه سرعتی می‌تواند رخ دهد. عموماً در چنین بزنگاه‌هایی است که مطالبات عمومی با یک جهش کیفی خیره‌کننده، ناگهان به سطح سرنگونی‌طلبی نیز می‌رسد. درست از این همین رو است که حاکمیت با اعزام بیش‌ترین و مجهزترین نیروهای

سرکوب تلاش می‌کند تا با قلع و قمع اعتراضات، در این زورآزمایی عرض اندام کند و با نمایش این توحش نشان دهد به وقت سرکوب هیچ مرزی نخواهد داشت و تا کجاها که پیش نخواهد رفت. در مواقع سرکوب سنگین رژیم، کارگران و مردم شهر بارها به‌حق با هر ابزاری که در دست داشته‌اند- از سنگ و چوب تا آتش زدن لاستیک و پرتاب کوکتل مولوتف- از خود دفاع کرده‌اند، چرا که بارها دیده‌اند با فریاد «الله اکبر» یا «کارگر بیچاره، کتک زدن نداره» نتوانسته‌اند عوامل سرکوب را نرم کنند. دفاع از خود، با هر ابزار قابل دسترس، یک حق بی‌چون و چرا و یک ضرورت در برابر خشونت سازمان‌یافته حکومت سرمایه‌داری است. از این رو پیشروهای کارگری نیز باید دفاع از خود را به‌عنوان یک بند در برنامه خود داشته باشند.

### س: موضع ما نسبت به «فعالیت مخفی» و «فعالیت علنی»

به‌راستی اگر هزینه نوشتن یک نامه اعتراضی یا جمع‌آوری طومار امضا، یک فعالیت اعتراضی ساده در فضای مجازی و یا پیگیری مطالبات پیش‌پافتاده چیزی جز تحمل زندان و حبس و شکنجه و اعدام نبوده، اگر برای چنین سطحی از فعالیت‌ها باید هزینه‌ای برابر با مثلاً سازماندهی یا عضویت در یک هسته انقلابی پرداخت کرد، پس چرا باید فعالیت علنی و قانونی را انتخاب کرد و نه فعالیت مخفی و غیر علنی را؟ وقتی که دولت سرمایه‌داری، حتی بابت آب‌بازی چند جوان در پارک هم آنان را زندانی می‌کند، فعالیت علنی متشکل علیه سیاست‌های دولت حاکم به معنای توهم داشتن نسبت به ظرفیت‌های دموکراتیک یک رژیم استبدادی است. حجم عظیمی از وقت و انرژی‌ای که در تشکل‌های علنی، به جای حضور و سازماندهی اعتراضات کارگری باید صرف تهیه وثیقه و چرخ زدن در راهروهای دادگاه‌ها شود، خود به تنهایی ورشکستگی سبک فعالیت علنی را نشان می‌دهد. در واقع فعالیت علنی-قانونی که ظاهراً قرار بود نوعی از «مصونیت» را برای تشکل‌های فعالین کارگری داشته باشد، به ضد خود مبدل شد. این فعالین کارگری علنی چنان زیر ضرب رفته‌اند که در آستانه هر مناسبت یا اعتراض کارگری کلاً از هرگونه دخالت صرف‌نظر می‌کنند، چون احتمال دستگیری‌شان را بالا می‌دانند. این فعالین در یک دور باطل گیر کرده‌اند و همین در واقع نقض غرض شده‌است. کسانی که به فعالیت علنی و قانونی روی آورده‌بودند تا ضربه نخورند؛ حال که ضربه خوردند، دیگر فعالیت نمی‌کنند! بدین ترتیب فعالیت علنی-قانونی که بدو قرار بود وسیله‌ای برای رسیدن به هدف باشد، اما اکنون همان هدف را قربانی وسیله می‌کند. گرایش‌های علنی حتی توان محافظت از خود را هم در برابر سرکوب ندارند، چه برسد به محافظت از طبقه کارگر. از سوی دیگر جنبش و نمودهای مختلف آن- از ایجاد یک سندیکا گرفته تا برگزاری یک آکسیون و اعتراض خیابانی- همگی علنی هستند؛ بدیهی است که نمی‌توان اعتصاب را در زیرزمین یا پستوهای خانه به راه انداخت. اما «سازماندهی» جنبش لزوماً علنی نیست و حتی در «دموکراتیک»ترین کشور اروپایی نیز سازماندهی اعتراضی که بخواهد از خطوط قرمز سرمایه‌داری عبور و آسیب‌هایی را متوجه منافع سرمایه کند ناگزیر باید به طور مخفیانه سازماندهی شود. از این رو تلفیق کار علنی و مخفی، هنر مبارزه در شرایط کنونی استبداد سرمایه‌داری ایران است.

### ش: موضع ما نسبت به «اتحاد عمل»

«اتحاد عمل» با «اتحاد نظری» یا «وحدت» به طور اعم متفاوت است؛ اتحاد عمل، عموماً یک تاکتیک موقتی حول «موضوعات مشترک» و مورد توافق جنبش است. به عنوان مثال هر یک از گرایش‌ها می‌توانند ضمن استقلال خود، نیرو، توان و امکانات‌شان را بر سر این مطالبه با دیگران به اشتراک بگذارند. مثلاً اتحاد عمل در حمایت از زندانیان سیاسی می‌تواند برای اعمال فشار و عقب راندن سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و خنثی کردن ضربات آن، به طور مداوم، در سطح وسیع، صورت بگیرد و جنبش را تقویت کند. کمیته عمل سازمانده کارگری، بنا به اصل مبارزه با فرقه‌گرایی، بسته به تحلیل از شرایط مشخص در مورد مطالبات مشترک از اتحاد عمل با دیگر جریان‌های فعال در جنبش کارگری استقبال خواهد کرد.

## الف: زنان

سال‌هاست که تریبون دفاع از حقوق زنان در داخل کشور به دست کسانی است که مبارزه برای رهایی زنان را به عرصه حقوقی صرف تقلیل داده‌اند و جلوی هرگونه رادیکالیزه‌شدن اعتراض زنان ایستاده‌اند، چه به پشتوانه جایزه نوبل و چه با راه‌اندازی کارزارهایی همچون «آزادی یواشکی». علیرغم آنکه داعیه این «فعالین حوزه زنان»، پیشبرد مبارزات مصطلحاً «دموکراتیک» بوده، اما کارنامه رنگارنگ آنان نشان می‌دهد که چرا و چطور همیشه در لحظه حساس از «مبارزه سیاسی» برای احقاق همین حد از حقوق دموکراتیک نیز پا پس زده‌اند. پسرقت دائمی این فعالین تا در غلتیدن به حمایت از هر نسخه دم دستی از اصلاح‌طلبی حکومتی بعد از دو دهه فعالیت با پشتوانه رانت‌های امپریالیستی و رسانه‌ای برای ما مطلقاً جای تعجب ندارد؛ چون این عقب‌روی بخشی از عقب‌ماندگی تاریخی نیروهای بورژوازی است. به طور کلی این نیروهای وابسته به کمپ سرمایه‌داری نه تنها قادر نیستند برای تحقق حداقل‌ترین حقوق دموکراتیک تن به رادیکالیسمی دهند که لازمه کسب این حقوق است، بلکه دیر یا زود به دلیل منافع طبقاتی در مقابل تحقق آن به نفع اتحاد با یک نیروی ارتجاعی و استبدادی خواهند ایستاد. از سوی دیگر افق مبارزه برای رهایی زنان از نگاه اکثر این نیروهای «اپوزیسیون» متعلق به جناح‌های سرمایه‌داری به معنای برابری اکثریت زنان با اکثریت مردان از حیث میزان استثمارشدن و سرکوب بدست اقلیت صاحب سرمایه است! مگر آنکه پیشروان کارگری بتوانند طبقه کارگر را در پیشقراول مبارزه توانمند دموکراتیک و طبقاتی قرار دهند و رهبری مبارزه در حوزه‌های دموکراتیک را قاطعانه بدست گیرند.

- لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی
- برخورد قاطع و پیگرد قانونی نسبت به هرگونه آزار و خشونت لفظی و فیزیکی علیه زنان؛ چه در خانه و چه در محیط‌های کار
- حق سقط جنین / حق طلاق / حق حضانت برابر بر فرزند / حق سفر آزادانه بدون کسب اجازه از همسر یا پدر / ارث برابر
- لغو ازدواج کودک
- توقف فوری دخالت دولت و قانون در زندگی جنسی کلیه افراد و تحمیل آزمایش‌های بکارت به زنان؛ حق انتخاب پوشش

## ب: کودکان

طیف گسترده‌ای از ستم و آزار بر کودکان وجود دارد که ریشه‌اش را باید پیش از هر چیز در طبقاتی بودن جامعه جست. بنگاه‌های ان‌جی‌اویی زیادی تلاش می‌کنند تا مسائل مهم و ریشه‌ای ستم بر کودک را با فعالیت‌های خیریه‌ای پاسخ دهند. حال آنکه با چند کلاس درس که سهل است، با هزار کلاس درس نیز مسئله بازماندن کودکان فقیر از تحصیل حل نمی‌شود، مسئله کار کودک یا مسئله تجاوزات جنسی به کودکان نیز بدون ایجاد تغییرات ریشه‌ای در نظام اجتماعی-اقتصادی حاضر رفع نخواهد شد. رسیدگی ریشه‌ای به مسئله کودک‌آزاری و ستم بر کودکان نیز به همان میزان منوط به مبارزه سیاسی است که مسئله زنان، مهاجرین و ...

کمیته عمل سازمانده کارگری، رفع ستم بر کودکان را از طریق مبارزه ضد سرمایه‌داری ممکن می‌داند، و پیگیری برای تحقق بسیاری از مطالبات این برنامه را (همچون تحصیل رایگان همگانی، خدمات اجتماعی رایگان و...) گام مهمی جهت مبارزه برای ارتقای وضعیت کودکان از وضع اسفبار کنونی ارزیابی می‌کند:

- لغو کار کودک
- پیگرد و برخورد قاطع در مقابل هرگونه آزار و اذیت فیزیکی و جنسی کودکان
- غربالگری‌های رایگان در تمامی مهدکودک‌ها و مدارس
- ایجاد پارک‌ها، فضای سبز و امکانات بازی رایگان در فضاهای شهری
- مهدکودک‌ها و شیرخوارگاه‌های رایگان و باامکانات
- فراهم آوردن تغذیه رایگان، سالم و غنی برای کودکان در تمامی مهدکودک‌ها و مدارس
- همچنین کودکان مهاجرین باید به طور برابر با سایر کودکان بومی از امکانات بالا برخوردار باشند

### ج: دگرباشان جنسی

در ایران دگرباشان مورد پیگرد و اذیت و آزار و شلاق و حبس و «درمان‌های اجباری» دولت و خانواده قرار می‌گیرند. اغلب به محض بروز اولین نشانه‌های تفاوت هویتی، از سوی خانواده‌ها طرد می‌شوند و نداشتن سرپناه، شغل و امنیت بسیاری از نوجوانان دگرباش را به ورطه فقر و گاهی فحشاء می‌کشاند. بسیاری از هم‌جنس‌گرایان برای داشتن یک زندگی «قانونی» در ایران، که از آن محروم شده‌اند، دست به تغییر جنسیت می‌زنند. جراحی‌های تغییر جنسیت، گران‌قیمت و برای اغلب دگرباشان در چهارچوب سرمایه‌داری دست‌نیافتنی است. در بهترین حالت اگر فردی بتواند هزینه عمل جراحی را تهیه کند، تن خود را به دست تیغ جراحی پزشکی سپرده‌است که به‌صورت تجربی این نوع جراحی‌ها را در ایران آموخته‌اند و تخصصی در این زمینه ندارند. همین موضوع عوارض بعدی زیادی را هم متوجه آن‌ها خواهد کرد و سبب عود برخی مشکلات دیگر حتی تا سرحد مرگ خواهد شد.

دگرباشان باید با کارگران انقلابی در مبارزه برای حقوق‌شان متحد شوند و مسئولیت گام گذاشتن در راه این اتحاد بیش از هر چیز بر عهده کارگران پیشرویی است که وظیفه دارند پیشداوری‌ها و آلودگی‌های ایدئولوژیک و تبعیض‌آمیزی که علیه دگرباشان در طبقه کارگر ایران وجود دارد، را بزایند و در صف اول حمایت از حقوق دگرباشان قرار بگیرند.

- حذف هر نوع تبعیض حقوقی بین دگرباشان و سایر اقشار جامعه
- دولت موظف است هزینه عمل جراحی تراجنسیتی‌ها را به طور کامل پرداخت کرده و با تشکیل دپارتمان‌های تخصصی پزشکی، جدیدترین روش‌های جراحی و یافته‌های علمی را در خدماتی که به آن‌ها می‌دهد اعمال کند.
- دگرباشان نیازمند شغل امن و شایسته هستند. هرگونه نابرابری در این زمینه محکوم است و دولت موظف است برای تمامی افراد طبقه کارگر (اعم از دگرباشان) شغل شایسته و امن فراهم کند.
- دولت موظف است با اختصاص بودجه‌های ویژه اقدام به تأمین مسکن برای دگرباشانی کند که از سوی خانواده طرد می‌شوند و قادر به دستیابی به پناهگاه امن نیستند

### د: محیط زیست

وضعیت محیط‌زیست ایران بحرانی است. هوای به نفس‌افتاده کلان‌شهرها بخشاً به دلیل منافع صنعت خودروسازی کشور و بخشاً ناشی از استفاده از سوخت‌های غیراستانداردی است که دولت در تولید آن مشارکت داشته و پرونده باز این جنایت در وزارت بهداشت و مجلس سرمایه‌داری هرگز به سرانجام نرسید. این موضوع در کنار ارسال سیستماتیک امواج پارازیت از سوی دولت، سونامی بی‌سابقه‌ای از سرطان را در داخل کشور در پی داشته‌است.

از طرف دیگر بحران خشکسالی و بی‌آبی تولید کشاورزی داخل را به شدت مختل کرده و به روند رو به رشد روستاهای خالی از سکنه و تبدیل خرده‌دهقانان به فقرای شهری دامن‌زده است. خشک شدن دریاچه ارومیه، نابودی تالاب‌های اصلی کشور، بحران ریزگردها در استان‌های جنوبی کشور، آلودگی منابع آب زیرزمینی، فرسایش خاک و افزایش آمار سیل‌ها و...

در تمامی بحران‌های بالا نیز ردپای شرّ مالکیت خصوصی و افسارگسیختگی بنگاه‌ها و دولت سرمایه‌داری حاکم در تخریب محیط زیست آشکار است. دولت نه تنها وظیفه‌ای در قبال بحران‌های زیست‌محیطی برای خود قائل نیست که اتفاقاً خود در صف اول تخریب قرار دارد. کافی است به کارنامه پروژه‌های دولتی در این زمینه نگاه کنیم. سدّ گتوند که با بودجه عمومی به پیمانکار وابسته به سپاه (و با مشاوره شرکت متعلق به آستان قدس رضوی) ساخته شد، تولید کشاورزی وابسته به کارون را تماماً مختل و نابود کرد و با تبدیل اراضی کشاورزی به سوره‌زار، حیات بحرانی خوزستان را بحرانی‌تر کرد.

در حالیکه بحران کم‌آبی در ایران بیش از هرچیز ناشی از سنتی‌بودن نحوه آبیاری در تولید کشاورزی است و قریب به نود درصد از آب کشور مصروف این بخش می‌شود، دولت فشل سرمایه‌داری ایران به جای مدرنیزه و صنعتی کردن کشاورزی، راه حل مبارزه با بحران بی‌آبی را پند و اندرز و تبلیغات شهری برای صرفه‌جویی شهروندان در مصرف آب گذاشته است!

عده‌ای انجمن‌های مستقل و «فعالان محیط زیست» در واکنش به این وضعیت به فراست افتاده‌اند که درگیر مسأله شوند. منتها به دلیل بی‌افقی مبارزه، راه حل را در درختکاری و آشغال‌زدایی و پند و اندرز به شهروندان می‌بینند. سوسیالیست‌های انقلابی وظیفه دارند با نشان دادن و افشای حلقه اصلی مسبب وضعیت اسفبار محیط زیست، راه مقابله با این شرایط را مبارزه مشترک علیه سرمایه‌داری نشان دهند. بر این مبنا کمیته عمل سازمانده کارگری، مطالبات زیر را در حوزه محیط زیست پیگیری و در دستور کار خود قرار داده است:

- صنعتی کردن و مدرنیزه کردن فوری روش‌های تولید در کشاورزی (برچیدن بساط آبیاری سنتی)
- تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی و مهار تولید و تردد خودروهای شخصی در خیابان‌های شهرها
- هرگونه ساخت و ساز و راه‌اندازی صنایع باید زیر نظارت دموکراتیک ساکنین بومی محل باشد که در معرض اثرات سوء زیست‌محیطی آن قرار دارند. حدود این نظارت تا سرحد تعطیلی به اراده ساکنین است.
- برخورد و محاکمه قاطع سرمایه‌داران و بنیادهایی که اقدام به کوه‌خواری، جنگل‌خواری، دریاخواری و زمین‌خواری می‌کنند. جرم اعلام شدن تغییر کاربری‌ها (تخریب باغات و جنگل‌ها) و ممنوعیت شهرداری از اعطای مجوز به تغییر کاربری‌ها در قبال غرامت (باج).
- احیای تالاب‌ها و دریاچه‌های مرده یا در حال مرگ

### ذ: آزادی زندانیان سیاسی

کمیته عمل سازمانده کارگری، کارزار «خیابان: تربیون زندانی سیاسی» را برای عقب‌راندن تاکتیک‌های منفعلانه به نفع روش‌های اژیتاتوری فعالانه‌تر در دفاع از زندانیان سیاسی در داخل کشور به راه انداخته است. (از صفحه فیسبوک و کانال تلگرام این کارزار دیدن کنید: [Facebook.com/KSazmandeh](https://www.facebook.com/KSazmandeh)؛ آدرس کانال تلگرام کارزار: @Khiaban\_tribune)

### ف: جدایی دین از حوزه عمومی